

هوای پاک و آرامش دومیستی ست که بازنشستگان زیادی را جذب منطقه ۱۲ کرده است

پاتوق جدید بازنشستگان



حسین برادران فر - گرچه منطقه ۱۲ به دلیل هوای پاک و محیط آرامی که دارد، این روزها تبدیل به سکونتگاه بسیاری از بازنشستگان مشهدی شده است، کمبود امکانات مورد نیاز بازنشستگان همچون نقطه تاریکی در میان این خوبی ها پدید می آید. بوستان نیایش را شاید بتوان به دلیل درختان سایه انداز و محیط آرام و دنجی که دارد، تنها پاتوق مناسب برای بازنشستگان در کل منطقه ۱۲ دانست. به همین بهانه مانیز قدم در این بوستان می گذاریم و از زاویه نگاه بازنشستگان به زندگی و امکانات منطقه می نگرییم.

خودش، هیچ چیز جای احترام و محبت را نمی گیرد.

حسینی می گوید: «اولین اتفاق غیر منتظره بازنشستگی، دور شدن از محل کار و همکاران و دوستانی است که سال ها در کنار آن ها بوده ای. این قطع شدن ارتباط تأثیر بدی بر روحیه فرد بازنشسته می گذارد که فرزندان و خانواده باید با محبت و مهربانی خود این خلأ عاطفی را پر کنند تا بازنشسته دچار ناامیدی و افسردگی نشود؛ البته این روزها دیگر مثل گذشته نیست و نسل جوان چنان که شایسته است، با پدر و مادر بازنشسته خود رفتار نمی کنند. این روزها نسل جوان تمام زحمتهایی را که پدر و مادر برای آنان کشیده اند، فراموش می کنند. آن ها خیال می کنند از اول همین طور جوان و زیبا بوده اند. نمی دانند که زیبایی و جوانی آن ها به بهای پیری و فرسودگی پدر و مادر است، پس وظیفه آنان است که به پدر و مادر خود احترام بگذارند اما متأسفانه در بسیاری از مواقع این طور نیست و جوانان بی احترامی های زیادی در حق پدر و مادر خود انجام می دهند.»

و شهرداری می تواند در آن ها بوستانی ویژه بازنشسته ها بسازد. مشکل دیگر این است که یک بیمارستان مجهز و پیشرفته در این محدوده وجود ندارد. اگر نصف شب بازنشسته ای دچار حمله قلبی و سکتان شود، زمان زیادی طول خواهد کشید تا او را به اولین بیمارستان مجهز برسانند و در این مدت امکان فوت بیمار وجود دارد. از طرفی مادر این منطقه حتی یک بانک هم ندارد و بازنشسته ها برای گرفتن مستمری ماهانه و دیگر امور بانکی خود مجبورند با سختی و مشقت زیاد به مناطق دیگر بروند. برای استفاده از عایر بانک نیز با مشکلات زیادی روبه رو هستیم؛ به همین دلیل ساخت چند بانک در منطقه، ضروری است.»

جزء احترام نمی خواهیم

سید ابوالحسن حسینی، بازنشسته نیروی انتظامی است و خوشبختانه حقوق بازنشستگی ای که می گیرد، تا حدودی کفاف زندگی اش را می دهد اما به قول

بیمارستان و بانک نداریم
عبدالله... شاکری پور ۷۲ سال دارد. پیش تر راننده بوده و دو سال قبل بازنشسته شده است. او در کنار تعریف از تمیزی، سکوت و پاکیزگی منطقه از کمبود امکانات گلایه مند است و می گوید: «محلات این منطقه دارای آب و هوای پاکیزه و سکوت و آرامش بیشتری در مقایسه با مناطق داخلی و مرکزی شهر هستند؛ به همین دلیل چندسالی است که این منطقه را برای سکونت انتخاب کرده ام. بازنشسته های زیادی مثل من هستند که برای فرار از سروصدا و دود خودروها به این محله آمده اند اما متأسفانه در کنار این مزیت ها، کمبودهایی نیز وجود دارد که وجودشان برای همه به ویژه بازنشستگان حیاتی است. با توجه به وسعت منطقه، تعداد بوستان ها و پارک هایی که سایه داشته باشند و بتوانند پاسخگوی نیاز بازنشسته ها باشند، کم است و در برخی محلات هم اصلاً بوستانی وجود ندارد، در حالی که زمین های هاشده زیادی در این منطقه وجود دارد

حقوق بازنشستگی کفاف زندگی مان را نمی دهد حسین مهاجر که به فروشنده در بازار عباس قلی خان مشغول بوده، خواستار رسیدگی دولت به مشکلات مالی بازنشسته ها و درآمد کم آنان است. او می گوید: «بسیاری از بازنشسته ها در شصت سالگی هنوز فرزندان دارند که ازدواج نکرده اند و در خانه هستند. در کنار آن هزینه هایی مانند مخارج دانشگاه، خورد و خوراک و جهیزیه و... هم بر عهده پدر بازنشسته خانواده است. فرزندان هم که ازدواج کرده اند، دست کم هفته ای یک بار به همراه خانواده خود به خانه پدر می آیند. با حقوق ماهی ۱ تا ۲ میلیون تومان بازنشستگی که هنوز به نیمه ماه نرسیده تمام می شود، چطور می توان زندگی کرد؟ در شصت سالگی که فرد بازنشسته دیگر توان کار کردن ندارد، با این همه مخارج و هزینه زندگی چه باید بکند؟ دولت باید با دادن تسهیلات ویژه و وام های کم بهره از بازنشسته ها حمایت کند تا آن ها بتوانند در دوران بازنشستگی و پیری خود، زندگی آرام و راحتی داشته باشند.»

هزینه سنگین بیماری در سالمندی

محمد حسن نصرتی نوق هم که بازنشسته سازمان تأمین اجتماعی است، نداشتن بیمه تأمین اجتماعی را یکی از مشکلات مهم افراد سالمند می داند و می گوید: «کارگران ساختمانی، کشاورزان و کارگران سرگذر از جمله افرادی هستند که به دلیل نداشتن کار ثابت و دائمی هیچ گونه بیمه و حقوق بازنشستگی ندارند. بسیاری از این افراد حتی در دوران پیری و کهولت نیز مجبور به فعالیت و کار کردن هستند. من به دلیل شغلی که در سازمان تأمین اجتماعی داشتم، همیشه با چنین افرادی بر خورد می کردم. آن ها برای تأمین هزینه های خود با مشکلات زیادی روبه رو هستند. با توجه به اینکه دوران پیری، دوران گرفتار شدن انسان به بیماری های بی شمار است و فرد بازنشسته نیاز به همیشگی به مراقبت های پزشکی دارد، نداشتن بیمه مشکلات را دوچندان خواهد کرد و چون بیشتر این سالمندان قادر به تأمین هزینه داروهای خود نیستند، گرفتار بیماری و حتی فوت ناگهانی می شوند، بنابراین دولت باید با اختصاص بودجه ای ویژه سالمندان، از این بازنشستگان بدون مستمری حمایت کند.»

شاید سال دیگر مانباشیم...

پیرمرد دیگری که روی صندلی زیر سایه نشسته است، می گوید: «خدا پدر شهرداری را بیامرزد! اگر این پارک هم نبود، مجبور بودیم در خانه بمانیم، چرا که این منطقه امکانات دیگری برای بازنشسته ها ندارد. حالا کارمان این شده که کنار هم بنشینیم و خاطرات گذشته را مرور کنیم یا درباره مشکلات بچه ها و شیرین بودن نوه ها صحبت کنیم؛ البته این اتفاق تنها در تابستان می افتد. با شروع پاییز و سرما جمعمان پراکنده می شود و دیگر خبری از هم نداریم. گاه وقتی دوباره در بهار و تابستان گرد هم می آییم، خبردار می شویم که یکی از جمعمان کم شده، بنابراین باید تا زمانی که زنده هستیم، قدر هم را بدانیم. شاید سال دیگر ما هم نباشیم.»

بازنشسته های زیادی مثل من هستند که برای فرار از سروصدا و دود خودروها به این محله آمده اند اما متأسفانه در کنار این مزیت ها، کمبودهایی نیز وجود دارد که وجودشان برای همه به ویژه بازنشستگان حیاتی است